وصیتنامه یك رفیق کمونیست

"آزادی یعنی رفع هرگونه ستم و استثمار از کارگران و زحمتکشان"

زندان، شکنجه، اعدامهای دستجمعی نه تنها دلیل قدرت رژیم ضد خلقی و ارتجاعی جمهوری اسلامی نیست بلکه خود بهترین دلیل برای ضعف، درماندگی و ناتوانی رژیمی است که مدام در سراشیب سرنگونی است و همچنان دست و پا می‌زند. سراسر تاریخچه‌ی جنبش کمونیستی جهان سرشار از مقاومت ها پایداری‌ها و حماسه آفرینی هائی است که کمونیست ها در لحظات دشوار از خود نشان داده‌اند، حماسه‌های مقاومت عشق به خلق و کینه به دشمنان خلق، ما با عشق و امید به آینده‌ی پیروزمند طبقه ی کارگر و توده‌های زحمتکش با شعار و فریاد "زنده باد آزادی" "زنده باد سوسیالیسم" "مرگ بر امپریالیسم" به استقبال مرگ می رویم و سرفراز رگبارهای مسلسل مزدوران را پذیرا می‌شویم و با این شهادت ها ادامه دهندگان راه ما می‌آموزند که در مقابل سختی‌ها و دشواری‌ها چون کوه (استوار) چون پولاد مقاوم و سرسخت رویاروی کنند ورژیم جمهوری اسلامی باید بداند که با این حملات و یورش‌های سبعانه ممکن است جنبش دچار رکود لحظه‌ئی و موقتی گردد اما همچنان که تا کنون دیده‌ایم و تجربیات انقلابات جهانی به ما آموخته است دوباره جنبش انقلابی مردم با ابعادی گسترده‌تر به حرکت درخواهد آمد. من فقط به‌خاطر عقیده‌ام محکوم به مرگ شده‌ام و فقط به خاطر احساس مسئولیت در مقابل کلمه‌ئی که رگ و پوستم، کوچکترین سلول بدنم و تمامی وجودم به ان پیوند خورده، کلمه‌ئی که جز آن نگفته‌ام و ننوشته‌ام، فکر نکرده‌ام و نخواهم کرد و آن یك کلمه. مردم ما قدم در راهی

نام . حمید . . . *

سن در موقع اعدام. ۱۵ سال

گذاشته‌ایم که درمقصد نراز شکمهای گرسنه و پاهای برهنه خبری نیست. آزادی برای همه‌ی زحمتکشان تأمین می‌شود و نان و گرسنگی به تساوی بین همه تقسیم می‌شود و ما ایمان داریم که بالاخره خلق هم قدم در این راه می گذارد و آن موقع ما در نابودی دشمن طبقاتی توانائیم. بالاخره روز قصاص خلق از راه خواهد رسید روزی که با داس نفرت دهقانان و پتك خشم کارگران فرا می‌رسد و تمامی کاخ‌های ظلم و ستم را بر سر سگان زنجیری و بر سر تمامی اربابانشان می‌کوبد. چه باك از خصومت و دشمن ما که خصومت دشمن کینه‌ی انسان را بارورتر می‌سازد. آری دور نیست روزی که پرچم سرخ رهائی بدست توانای زحمتکشان برافراشته شود، پرچمی که با نام و خون ما و دیگر شهدای خلق آذین شده است به راستی که چه کند بادل چون آتش‌ما آتش‌نیر.

پتك است خون من در دست کارگر
داس است خون من در دست برزگر
پیش به سوی تدارك انقلاب سوسیالیستی!
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!
زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم

ضمنا ۱۰ تومان وجه نقد دارم که پس‌از مرگم با آن کتابهای صد بهرنگی را بخرید و در بین مردم پخش کنید ●

---

*
از آنجا که ممکنست جلادان خمینی خانواده‌ی رفیق را تحت فشار قرار دهند از اعلام نام خانوادگی او معذوریم.

"شبنامه"